

فصلنامه علمی - تخصصی اسلام پژوهان
سال پنجم، شماره دوازدهم، پاییز ۱۳۹۸

علم امام به جزئیات از منظر آیات و روایات

جعفر علی نقی*

۸۶

چکیده

در سپهر اندیشه شیعی علم امام یکی از بایستگی های مقام امامت به شمار می رود. اما در اینکه دامنه دانش او تا چه حدی است مورد اختلاف واقع شده است. نوشتار حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی به بررسی آیات و روایات مربوط به علم امام پرداخته است. در فرآیند بحث، ابتدا آیات و روایات موافق علم امام به جزئیات جمع آوری و به آنها استدلال شده و در ادامه، آیات و روایاتی که متوهم محدودیت علم امام بوده اند مضمون آنها تحلیل و بررسی شده و نقد گردیده است. این پژوهش به این نتیجه دست یافته است که دامنه علم امام محدود به کلیات یا امور شریعت نبوده، بلکه تمام امور از کلی و کلان گرفته تا مصادیق جزئی و ریز و درشت عالم، همگی متعلق علم امام بوده و به موهبت الهی، امام به تمام آنچه که در گذشته و آینده و باطن و ظاهر و آسمان و زمین و دنیا و آخرت و انسان و غیره واقف و آگاه است. واژگان کلیدی: علم، امام، جزئیات، آیات، روایات

* دانش پژوه سطح ۴ رشته شیعه شناسی موسسه امام رضا



مقدمه

گستره علم امام از جمله موضوعاتی است که مباحث وافری از تراث علمی دانشمندان شیعه را به خود اختصاص داده است. با توجه به اینکه از سویی آیات و روایاتی در زمینه علم اهل بیت پیامبر اسلام³ وارد شده که آنان را راسخان در علم و دانش معرفی کرده و علم الکتاب و علم گذشته و حال و آینده را به آنان نسبت می دهد و آنان را خزینه علم الهی و عالم به آسمان و زمین و علم پیامبران و رسولان و ملائکه می خواند، ولی از دیگر سو، روایاتی را مشاهده می کنیم که گویای عدم اطلاع معصومان از امور مختلف جزئی است. از این رو ممکن است ابهام در این مسئله باعث تردید و تشکیک در باورهای شیعه نسبت به الهی بودن دانش معصومان گردد، از این رو بایسته است پژوهشی سامان پذیرد تا ضمن جمع بندی این دو گروه از آیات و روایات، حقیقت را روشن ساخته و ابهام مذکور را برطرف سازد که نوشتار پیش رو به همین هدف تدوین گشته است.

افزون بر تراث ارزشمند دانشمندان شیعه در موضوع علم امام — که توسط محقق محترم آقای محمد حسن نادم در کتابی با نام «کتاب شناسی علم امام» گردآوری شده که به ۳۰۸ کتاب می رسد و در سال ۱۳۹۱ در انتشارات بنیاد امامت قم منتشر گشته است —، اخیراً نیز پژوهش هایی در موضوع گستره علم امام به مرحله نگارش بار یافته که با موضوع نوشتار حاضر هم سان می باشد. از جمله:

کتاب علم الامام نوشته سیدکمال حیدری انتشارات موسسه فرهنگی امام جواد(ع) ۱۴۲۹ق. که در فصلی از آن به بحث از گستره علم امام پرداخته است.

کتاب «مکتب در فرآیند تکامل» نوشته سید حسین مدرسی طباطبایی (انتشارات کویر، ۱۳۸۹) وی در این کتاب باور به لدنی بودن و گستردگی علم امام را غالبانه قلمداد کرده و با رمی راویان علم امام به غلو، آنها را غیر معتبر می داند.

کتاب «ماهیت علم امام» نوشته سید علی هاشمی که مبحثی را به گستره علم امام اختصاص داده است. (انتشارات موسسه امام خمینی «ره» چاپ اول سال ۱۳۹۶)

کتاب «علم امام در باور شیعیان نخستین» نوشته سید عبدالحمید ابطحی (انتشارات امامت اهل بیت چاپ اول ۱۳۹۷) که باور شیعیان قرون اول را در خصوص علم امام و گستره آن کاویده است.

پایان نامه «علم امام از دیدگاه قرآن و سنت» نوشته دلشادحسین هادی (مرکز جهانی علوم اسلامی ۱۳۸۵)

پایان نامه «علم امام از منظر آیات و روایات» نوشته فاطمه مولائی فر (دانشگاه باقرالعلوم ۱۳۸۹)

پایان نامه «گستره علم امام در مقایسه روایات اصول کافی و بصائر الدرجات» نوشته عبدالرضا حمادی (دانشگاه قرآن و حدیث ۱۳۹۰)

پایان نامه «گستره علم امام از دیدگاه آیات و روایات» نوشته محمدحسین نصیری (دانشگاه معارف ۱۳۹۲)

پایان نامه «نقد و بررسی روایات علم امام» نوشته لیلا حامدی نسب (دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، ۱۳۹۲)

مقاله «گستره علم امام در اندیشه علمای شیعه» نوشته محمدرضا بهدار (مجله تحقیقات کلامی شماره ۳ سال ۱۳۹۲)

مقاله «بررسی دیدگاه متکلمان امامیه درباره گستره علم امام با تکیه بر روایات» نوشته محمد حسین فاریاب (مجله تحقیقات کلامی شماره ۱۵ سال ۱۳۹۵)

مقاله «بررسی گستره علم امام از منظر احادیث» نوشته محمد فرضی پوریان (مجله کلام اسلامی شماره ۱۰۷ صص ۴۹-۶۷)

پژوهش های مذکور هریک به نوعی از گستره علم امام بحث کرده اند اما هیچ یک به طور جامع به بررسی آیات و روایاتی که بعضا گویای عدم اطلاع معصومان از امور جزئی است نپرداخته اند. از این رو، پژوهش حاضر از این جهت که آیات و روایات متوهم محدودیت علم معصومان را بررسیده، از پژوهش های همگون متمایز می گردد. بنابراین، نوشتار پیش رو در صدد پاسخ به این پرسش است که آیا گستره علم امام شامل آگاهی به امور جزئی نیز می شود؟ اگر آری، آیات و روایات مخالف آن چگونه توجیه می گردد؟



علم امام به جزئیات

آیات و روایات مربوط به علم امام مختلف بوده از همین رو این سوال را در اذهان پدید آورده است که آیا علم امام در محدوده امور کلی، نیازهای دینی و امور زمامداری است یا افزون بر آن شامل آگاهی بر امور جزئی و اتفاقات روزمره و مصادیق خرد نیز می شود؟

برآیند آیات و روایات این است که قلمرو دانش معصومان محدود به امور شرعی، زمامداری و امور کلی نیست بلکه آنان به تمام امور کلی و جزئی، عام و خاص، مادی و معنوی، آسمان و زمین، بهشت و جهنم، گذشته و حال و آینده و... واقفند و به اذن الهی چیزی از گستره دانش آنان خارج نیست.

آیات موید علم امام به جزئیات

① وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلٰى عَالَمِ الْغَيْبِ

وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ^۱

و بگو [هر کاری می خواهید] بکنید که به زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند نگریرست و به زودی به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانیده می شوید پس ما را به آنچه انجام می دادید آگاه خواهد کرد.

استدلال: گرچه نوع علم خدا با نوع علم رسول و مومنون (که بر طبق روایات، مقصود از مومنون اهل بیت معصوم پیامبر هستند) متفاوت است ولی آیه مذکور در مقام تذکر به افراد نسبت به اعمال و کردارشان است تا آنان ملتفت به این رویت باشند و در وظایف دینی خود کوتاهی نکنند. این آیه عام است و از آن به دست می آید که ائمه هدی نسبت به همه گفتار و رفتار و کردار ریز و درشت بندگان آگاه بوده، چیزی از اعمال انسانها از گستره علم آنان بیرون نیست. بنابراین علم آنان محدود به قلمرو خاصی نیست و دامنه آگاهی شان گسترده بوده و شامل جزئیات نیز می شود.

② هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ

فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ

تَأْوِيلُهُ إِلَّا اللَّهَ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ^۱

اوست کسی که این کتاب [=قرآن] را بر تو فرو فرستاد پاره ای از آن آیات محکم [=صریح و روشن] است آنها اساس کتابند و [پاره ای] دیگر متشابهاتند [که تاویل پذیرند] اما کسانی که در دلهایشان انحراف است برای فتنه جویی و طلب تاویل آن [به دلخواه خود] از متشابه آن پیروی می کنند با آنکه تاویلش را جز خدا و ریشه داران در دانش کسی نمی داند [آنان که] می گویند ما بدان ایمان آوردیم همه [چه محکم و چه متشابه] از جانب پروردگار ماست و جز خردمندان کسی متذکر نمی شود.

استدلال: در آیه مزبور آگاهی بر تمام مفاهیم و معانی ظاهری و باطنی قرآن کریم منحصر در خداوند و راسخان در علم گشته است. راسخان در علم بر طبق روایات، پیامبر اکرم^۳ و اهل بیت معصوم او هستند. بنابر این آیه، فقط پیامبر و امامان هستند که نسبت به آیات قرآن کریم درک و فهم کاملی دارند. از آنجا که طبق آیه (وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ) قرآن کریم بیانگر و آشکار کننده همه چیز است. بنابراین اهل بیت^{علیهم السلام} که آگاه به ظاهر و باطن قرآن کریم هستند نسبت به همه امور که شامل جزئیات نیز می شود واقف و عالمند.

① وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمٌ

الْكِتَابِ ^۲

و کسانی که کافر شدند می گویند تو فرستاده نیستی بگو کافی است خدا و آن کس که نزد او علم کتاب است میان من و شما گواه باشد.

بر اساس روایتی که از امام صادق(ع) در تفسیر آیه مذکور آمده است^۳ امام صادق(ع) با تاکید دو قسم جلاله تصریح می کند که علم الکتاب به طور کامل در اختیار آنها (یعنی اهل بیت) است و طبق آیه (وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ) قرآن کریم بیانگر و

۱. آل عمران/ ۷.

۲. رعد/ ۴۳.

۳. رک: الکافی، ج ۱؛ ص ۲۵۷.



آشکار کننده همه چیز است بنابراین اهل بیت علیهم السلام که آگاه به ظاهر و باطن قرآن کریم هستند نسبت به همه امور از جمله جزئیات واقف و عالم بوده چیزی از سیطره علمی و آگاهی آنان خارج نیست.

روایات موید علم امام به جزئیات

افزون بر آیات مذکور انبوهی از روایات موید علم امام به جزئیات رسیده که جهت رعایت اختصار تنها از هر دسته چند روایت ذکر می شود تا معلوم شود اهل بیت پیامبر اسلام علیهم السلام واقف به تمام امور اعم از کلی و جزئی هستند و چیزی از احاطه علمی آنان بیرون نیست.

روایاتی که می گویند: ائمه اطهار علیهم السلام عالم به علم ما کان و علم ما یكون هستند و چیزی بر آنها مخفی نیست.

به عنوان نمونه:

«أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدٌ بْنُ يُحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَحْمَرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ سَيْفِ الثَّمَارِ قَالَ: كُنَّا مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ جَمَاعَةً مِنَ الشَّيْعَةِ فِي الْحِجْرِ فَقَالَ عَلَيْنَا عَيْنٌ فَالْتَفَتْنَا يَمَنَةً وَ يَسْرَةً فَلَمْ نَرَ أَحَدًا فَقُلْنَا لَيْسَ عَلَيْنَا عَيْنٌ فَقَالَ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ وَ رَبُّ الْبَيْتَةِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لَوْ كُنْتُ بَيْنَ مُوسَى وَ الْخَضِرِ لَأَخْبَرْتُهِمَا أَنِّي أَعْلَمُ مِنْهُمَا وَ لَأَنْبَأْتُهُمَا بِمَا لَيْسَ فِي أَيْدِيهِمَا لِأَنَّ مُوسَى وَ الْخَضِرَ أُعْطِيََا عِلْمَ مَا كَانَ وَ لَمْ يُعْطِيََا عِلْمَ مَا يَكُونُ وَ مَا هُوَ كَائِنٌ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ وَ قَدْ وَرِثَاهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص وَرَأْتُهُ»^۱

استدلال: در روایت اول، امام صادق (ع) جماعتی از شیعیان را نسبت به وجود یک جاسوس آگاه می کند و برای قانع ساختن آگاهی خود از این امر، استدلال به این می کند که خدای سبحان به حضرت موسی (ع) و حضرت خضر (ع) فقط نسبت به گذشته و گذشتگان علم داده بود ولی به ما اهل بیت، افزون بر گذشته، علم حال و آینده را نیز عطا کرده است. از این گفته امام معلوم می شود همانطور که امام (ع) به آن امر جزئی که اتفاق افتاد علم دارد، به همه جزئیات نیز علم دارد و این را می شود از استدلال امام فهمید.

۱. صحیح و مسند.

یعنی چون علم امام هم علم به ما کان است و هم علم به مایکون و ماهو کائن، از این رو، نسبت به تمام جزئیات، عالم و آگاه است همانطور که به آن امر جزئی و مصداق بیرونی و اتفاقی آگاه و عالم بود. در روایت دوم نیز امام صادق(ع) علم به آسمانها و زمین و بهشت و جهنم و علم گذشته و آینده را به خود نسبت می دهد. یعنی چیزی در آسمان ها و زمین اعم از امور کلی و جزئی و ... از سیطره علمی امام بیرون نیست.

روایاتی که می گویند: همه علوم انبیاء و رسولان و ملائکه در نزد امامان است. به عنوان نمونه:

«أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سُؤَيْدِ الْقَلَاءِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عِلْمَيْنِ عِلْمٌ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ وَ عِلْمٌ عَلِمَهُ مَلَائِكَتُهُ وَ رُسُلُهُ فَمَا عَلِمَهُ مَلَائِكَتُهُ وَ رُسُلُهُ عَ فَتَحْنُ نَعْلَمُهُ.»^۱

استدلال: از آنجا که خداوند خالق و رب مخلوقات است و افزون بر خلق، تدبیر امور عالم نیز به دست خداست، به تصریح آیه ① فَأَلْهَمْتُ الْإِنْسَانَ مَا يَدَّبَّرَاتِ الْأُمُورَ خداى حکیم تدبیر خود را به واسطه ملائکه الهی انجام می دهد و و آنان بخاطر رسالتی که دارند به اذن الهی به همه امور ریز و درشت عالم، اعم از تکوین و تشریع آگاه هستند تا رتق و فتق آنها را انجام دهند، طبق روایات مزبور، علم همه آن ملائکه - و همچنین علم پیامبران و رسولان - به امامان داده شده است. بر این اساس، اهل بیت عصمت و طهارت به تمام امور ریز و درشت و کلی و جزئی و عالم هستی، آگاه و واقف هستند.

روایاتی که می گویند دنیا به مثابه یک دانه گردو در دست امام است.^۲

استدلال: این دسته از روایات که سیطره علمی امام را تشبیه به این کرده اند که دنیا مثل یک گردو در دستان امام است اشاره به وقوف حداکثری امام به امور دارد و چیزی از امام غائب نیست و نسبت به تمام امور دنیا اعم از کلی و جزئی و ریز و درشت آگاهی کامل دارد.

۱. الکافی، ج ۱، ص: ۲۵۶. (صحیح و مسند).

۲. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم ؛ ج ۱ ؛ ص ۴۰۸.



روایتی که می گوید: علی(ع) موقع نزول وحی، صدای ناله شیطان را شنید و نور وحی را دید.^۱

روایتی که می گوید امام باقر(ع) به تمام آنچه در دجله هست و وزن آن را می داند.
«وَرَوَى عَنْ عُمَرَ بْنِ فَرْجٍ الرَّحْجِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ إِنَّ شَيْعَتَكَ تَدْعِي أَنَّكَ تَعْلَمُ كُلَّ مَاءٍ فِي دِجْلَةٍ وَوَزَنَهُ وَكُنَّا عَلَى شَاطِئِ دِجْلَةٍ فَقَالَ ع لِي يَقْدِرُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُفَوِّضَ عِلْمَ ذَلِكَ إِلَيَّ بَعُوضَةً مِنْ خَلْقِهِ أَمْ لَا قُلْتُ نَعَمْ يَقْدِرُ فَقَالَ أَنَا أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ بَعُوضَةٍ وَمِنْ أَكْثَرِ خَلْقِهِ.»^۲

روایتی که می گوید: امام باقر(ع) در حج، بیشتر جمعیت را به شکل حیوان می بیند و به ابوبصیر نیز نشان می دهد.^۳

روایتی که می گوید: امام کاظم(ع) آدرس سطل وضوی گم شده را می دانست و آدرس آن را به عیسی مدائنی که به زیارت مدینه رفته و از آن بی اطلاع بود، داد.^۴
روایتی که می گوید: امام کاظم(ع) کوتاه بودن عمر کنیز را می دانست.

«مَا قَالَ هِشَامُ أَرَدْتُ شِرَاءَ جَارِيَةٍ بَيْمَنِي فَاسْتَشَرْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ ع فِي ذَلِكَ فَلَمْ يُجِبْنِي فَرَأَاهَا جَالِسَةً عِنْدَ جَوَارٍ فَنَظَرَ إِلَيْهَا ثُمَّ قَالَ لَا بَأْسَ إِنْ لَمْ يَكُنْ فِي عُمْرِهَا قِلَّةٌ. فَأَمْسَكْتُ عَنْ شِرَائِهَا فَلَمْ أَخْرُجْ مِنْ مَكَّةَ حَتَّى مَاتَتْ.»^۵

روایتی که می گوید: امام کاظم(ع) از سرقت اموال زائر خبر داشت لذا دستور داد ۴۰ دینار به او بدهند.^۶

روایاتی که می گویند: هر کس بر امامان علیهم السلام وارد شود آنها می دانند که او کافر است یا مومن.^۷



۱. نهج البلاغة (للصبحي صالح)، ص: ۳۰۱.

۲. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۵۰، ص: ۱۰۱.

۳. (عيون المعجزات؛ ص ۷۶).

۴. الخرائج و الجرائح، ج ۱؛ ص ۳۱۶.

۵. الخرائج و الجرائح؛ ج ۲؛ ص ۷۱۶.

۶. الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص: ۳۲۲.

۷. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم؛ ج ۱؛ ص ۳۵۴.

روایاتی که می گویند: امامان معصوم مریضی و ناراحتی شیعیان خود را با اینکه در نزد آنها نیستند می فهمند و برایشان دعا می کنند.^۱

روایاتی که می گویند: امام(ع) پشت سرش را نیز می بیند.^۲

روایاتی که می گویند: امام(ع) مثل ماه در آسمان بر همه امور اشراف دارد و مطلع جمیع اشیاء است.

به عنوان نمونه:

«حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: كُنْتُ أَنَا وَصَفْوَانُ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ ع فَذَكَرُوا الْإِمَامَ وَفَضْلَهُ قَالَ إِنَّمَا مَنَزَلَةُ الْإِمَامِ فِي الْأَرْضِ بِمَنَزَلَةِ الْقَمَرِ فِي السَّمَاءِ وَفِي مَوْضِعِهِ هُوَ مُطَّلِعٌ عَلَى جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ كُلِّهَا».^۳

روایاتی که می گویند ائمه علیهم السلام به همه کتاب هایی که از جانب خدا نازل شده با همه اختلاف زبانی که دارند واقف هستند.^۴

روایتی که می گوید امام حسین(ع) برخی را در کربلا نمی گشت چون در او نطفه نیکوکار می دید یا روایات بسیاری که در مورد سیره تک تک معصومان نقل گشته و از گنجایش نوشتار حاضر خارج است همگی دلالت بر آگاهی امامان بر امور مختلف کلی و جزئی دارد.^۵

استدلال: از همه روایات مزبور و روایات همگون، چه روایاتی که به طور روایت عام، علم گسترده ای را برای امام ثابت می کنند و چه روایاتی که به طور مصداقی آگاهی آنان را به امور جزئی مختلف نقل کرده اند همگی اثباتگر این است که امامان نسبت به تمام جزئیات عالم آگاه و عالمند و گستره دانش آنان شامل همه امور هستی می شود. بر این

۱. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص: ۲۶۰.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص: ۴۱۹.

۳. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم؛ ج ۱؛ ص ۴۴۳.

۴. الکافی، ج ۱، ص: ۲۲۸.

۵. موسوعه کلمات امام حسین  ص ۶۰۹.



اساس، علم امام فقط در محدوده امور کلی، نیازهای دینی و امور زمامداری نیست و افزون بر آنها شامل آگاهی بر امور جزئی و اتفاقات روزمره و مصادیق خرد نیز می شود.

آیات معارض علم امام به جزئیات

آیه ای از قرآن کریم که می فرماید حضرت آدم(ع) متوجه دروغ بودن سخن شیطان نشد:

① فَوَسَّسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ^۱

پس شیطان آن دو را وسوسه کرد تا آنچه را از عورت‌هایشان پنهان پوشیده مانده بود برای آنان نمایان گرداند و گفت پروردگارتان شما را از این درخت منع نکرد جز [برای] آنکه [مبادا] دو فرشته گردید یا از [زمره] جاودانان شوید. حضرت نوح(ع) نسبت به عاقبت فرزندش علم نداشت:

② وَتَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ (۴۵) قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ^۲

و نوح پروردگار خود را آواز داد و گفت پروردگارا پسر من از کسان من است و قطعاً وعده تو راست است و تو بهترین داورانی. فرمود ای نوح او در حقیقت از کسان تو نیست او [ادارای] کرداری ناشایست است پس چیزی را که بدان علم نداری از من نخواه من به تو اندرز می دهم که مبادا از نادانان باشی.

حضرت ابراهیم(ع) از سر انجام دستور ذبح فرزند خویش آگاه نبود:

③ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ^۳

و وقتی با او به جایگاه سعی رسید گفت ای پسر من در خواب [چنین] می بینم که تو را سر می برم پس ببین چه به نظرت می آید گفت ای پدر من آنچه



۱. اعراف / ۲۰.

۲. نوح / ۴۵ و ۴۶.

۳. صافات / ۱۰۲.

را ماموری بکن ان شاء الله مرا از شکیبایان خواهی یافت.

حضرت زکریا (ع) که نمی دانست غذای حضرت مریم علیها السلام از کجا آمده است:

① فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿١٠٦﴾

پس پروردگارش وی [=مریم] را با حسن قبول پذیرا شد و او را نیکو بار آورد و زکریا را سرپرست وی قرار داد زکریا هر بار که در محراب بر او وارد می شد نزد او [نوعی] خوراکی می یافت [می] گفت ای مریم این از کجا برای تو [آمده است او در پاسخ می گفت این از جانب خداست که خدا به هر کس بخواهد بی شمار روزی می دهد.

پیامبر اسلام 3 نمی دانست در اطراف او افرادی از منافقین هستند:

① وَيَمْنُ حَوْلَكُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ ﴿١٠٧﴾

و برخی از بادیه نشینانی که پیرامون شما هستند منافقند و از ساکنان مدینه [نیز عده ای] بر نفاق خو گرفته اند تو آنان را نمی شناسی ما آنان را می شناسیم به زودی آنان را دو بار عذاب می کنیم سپس به عذابی بزرگ بازگردانیده می شوند.

استدلال: از اینکه حضرت آدم (ع) متوجه دروغ بودن سخن شیطان نشد و حضرت نوح (ع) به عاقبت فرزندش ناآگاه بود و حضرت ابراهیم (ع) نسبت به سرانجام دستور ذبح حضرت اسماعیل (ع) واقف نبود و حضرت زکریا (ع) منشأ غذای حضرت مریم (س) را نمی دانست و پیامبر اسلام 3 نسبت به وجود منافقینی در اطرافش بی اطلاع بود به دست می آید پیامبران و جانشینان آنان از علم و آگاهی کامل نسبت به جزئیات برخوردار نیستند.

روایات معارض علم امام به جزئیات

روایتی که می گوید: حسنین (علیهم السلام) از علت خواب مادر و رحلت وی آگاه نبودند.



①...قَالَتْ يَا ابْنِي رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَتْ أُمُّكُمْ نَائِمَةً قَدْ فَارَقَتِ الدُّنْيَا فَوَقَعَ عَلَيْهَا الْحَسَنُ يُقَبِّلُهَا مَرَّةً وَيَقُولُ يَا أُمَّاهُ كَلِّمِينِي قَبْلَ أَنْ تَفَارِقَ رُوحِي بَدَيْ قَالَ وَأَقْبَلَ الْحُسَيْنُ يُقَبِّلُ رَجُلَهَا وَيَقُولُ يَا أُمَّاهُ أَنَا ابْنُكَ الْحُسَيْنُ كَلِّمِينِي قَبْلَ أَنْ يَنْصَدَعَ قَلْبِي ۝^۱

روایتی که می گوید امام حسین(ع) قاتل امام حسن(ع) را شناخت.

«وَرَوَى عِيسَى بْنُ مِهْرَانَ قَالَ حَدَّثَنِي عُثْمَانُ بْنُ عُمَرَ قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ عَوْنٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ إِسْحَاقَ قَالَ كُنْتُ مَعَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ع فِي الدَّارِ فَدَخَلَ الْحَسَنُ ع الْمَخْرَجَ ثُمَّ خَرَجَ فَقَالَ لَقَدْ سَقَيْتُ السَّمَّ مِرَاراً مَا سَقَيْتُهُ مِثْلَ هَذِهِ الْمَرَّةِ لَقَدْ لَفِظْتُ قِطْعَةً مِنْ كَبِدِي فَجَعَلْتُ أَقْلِبُهَا بَعُودٍ مَعِيَ فَقَالَ لَهُ الْحُسَيْنُ ع وَمَنْ سَقَاكَ فَقَالَ وَمَا تُرِيدُ مِنْهُ أ تُرِيدُ قَتْلَهُ إِنْ يَكُنْ هُوَ فَاللَّهِ أَشَدُّ نِقْمَةً مِنْكَ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ هُوَ فَمَا أَحِبُّ أَنْ يُؤْخَذَ بِي بَرِيءٌ.»^۲

روایتی که می گوید: امیرالمومنین(ع) با شنیدن ظلم های یکی از کارگزارانش گریست و او را عزل کرد.^۳

روایتی که حسنین(ع) جبرئیل(ع) را که به شکل دحیه کلبی درآمده بود شناختند.^۴
روایتی که می گوید: امام حسین (ع) فرشته ای که به شکل سواره ای مجسم شده بود و در عاشورا از اهل حرم حمایت و محافظت میکرد شناخت.^۵
امام حسین(ع) راه غیرعمومی کربلا را سوال کردند.

«أَقْبَلَ الْحُسَيْنُ ع عَلَى أَصْحَابِهِ وَقَالَ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ يَعْرِفُ الطَّرِيقَ عَلَى غَيْرِ الْجَادَةِ فَقَالَ الطَّرِمَاحُ نَعَمْ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنَا أَخْبَرُ الطَّرِيقَ فَقَالَ الْحُسَيْنُ ع سِرُّ بَيْنَ أَيْدِينَا فَسَارَ الطَّرِمَاحُ وَاتَّبَعَهُ الْحُسَيْنُ ع وَأَصْحَابُهُ وَجَعَلَ الطَّرِمَاحُ يَرْتَجِزُ وَيَقُولُ.»^۶

۱. كشف الغمّة في معرفة الأئمة (ط - القديمة)؛ ج ۱؛ ص ۵۰۰.

۲. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد؛ ج ۲؛ ص ۱۶.

۳. بلاغات النساء؛ ص ۴۸.

۴. مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب)؛ ج ۳؛ ص ۳۹.

۵. مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب)؛ ج ۴؛ ص ۱۴۳.

۶. بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ۴۴؛ ص ۳۷۸.

روایتی که می گوید: وقت نماز را یکی از اصحاب به امام حسین یادآوری کردند.^۱
 روایتی که می گوید: امام حسین (ع) نام کربلا را پرسیدند.
 «فَإِنَّهُ مَنْ سَمِعَ وَاعِيَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ ثُمَّ لَمْ يُجِبْنَا كَبَّهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ ثُمَّ سَارَ حَتَّى نَزَلَ كَرْبَلَاءَ فَقَالَ أَيُّ مَوْضِعٍ هَذَا فَقِيلَ هَذَا كَرْبَلَاءُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ هَذَا وَاللَّهِ يَوْمَ كَرْبٍ وَبَلَاءٍ وَهَذَا الْمَوْضِعُ الَّذِي يُهْرَقُ فِيهِ دِمَاؤُنَا وَيُبَاحُ فِيهِ حَرِيمُنَا فَأَقْبَلَ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ زِيَادٍ بِعَسْكَرِهِ حَتَّى عَسَكَرَ بِالنُّخَيْلَةِ وَبَعَثَ إِلَى الْحُسَيْنِ ع رَجُلًا...»^۲

روایتی که می گوید: امام کاظم (ع) ندانست و خرمای مسموم سندی را میل فرمود.^۳
 روایتی که می گوید: امام رضا (ع) فرمود فرشته بر پدرم غائب شد که ندانست رطب مسموم است.^۴

نقد و بررسی:

گرچه خداوند معصومان را به جهت شایستگی و رسالت شان به آنان دانشی ویژه موهبت کرده که نسبت به تمام امور آگاهی کامل دارند و نوع علم آنها طبق روایات، به صورت اجمالی و شأنی است. یعنی اینطور نیست که سنخ علم آنان از نوع علم خداوند باشد که بالفعل است. به عبارت دیگر اهل بیت معصوم پیامبر انسان بودند و اینطور نبوده که زندگی آنان با زندگی سایر انسانها فرق داشته باشد و از اسباب عادی و وسایط دنیوی استفاده نکنند و از شیوه های معمولی کسب آگاهی بهره نبرند. ائمه با تلاش و فعالیت وافر می کردند که داشتند از حواس بشری خود بیشترین استفاده را می کردند در آیات قرآن تدبر و در خلقت زمین و آسمان تعمق داشتند. در برخی امور با سایر مردم مشورت می نمودند و ... همه این ها نشان می دهد امامان از شیوه های مختلف و امکانات متعدد ممکن استفاده می کردند و به تناسب نیازی که داشتند از دانش ویژه الهی استفاده می کردند. با این گفته معلوم می شود عدم اطلاع ظاهری آنان با مصادیق و موارد جزئی که در روایات

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت) ؛ ج ۴۵ ؛ ص ۲۱.

۲. الأمالی (للصدوق) ؛ النص ؛ ص ۱۵۵.

۳. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص: ۲۴۲.

۴. رجال الکشی - إختیار معرفة الرجال، النص، ص: ۶۰۴.



مزبور آمده با گستردگی و کامل بودن علم امام منافاتی ندارد و ضمن اینکه ائمه اطهار به حرام و حلال الهی و امور شریعت و زمامداری و رسالتی آگاهی تفصیلی فعلی دارند اما به سایر امور حتی مصادیق و موارد جزئی علم اجمالی و یا علم شأنی و ارادی داشته باشند بدین معنا که اطلاع تفصیلی و فعلی، بسیار نزدیک آنان است و هر موقع اراده کنند به محض نیاز خداوند دانش آن را از یکی از طرق مختلف تحدیث، شهود، الهام و ... به ایشان موهبت می کند. همانطور که دسته ای از روایات تصریح به ارادی بودن علم امامان دارد که به عنوان نمونه یک روایت موثق را ذکر می کنیم:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مُوسَى، عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ الْمَدَائِنِيِّ، عَنْ أَبِي عُيَيْدَةَ الْمَدَائِنِيِّ؛ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام، قَالَ: «إِذَا أَرَادَ الْإِمَامُ أَنْ يَعْلَمَ شَيْئًا، أَعْلَمَهُ اللَّهُ ذَلِكَ».^۱

شواهد متعددی حکایت از این دارد که تبیین آفاق دانش الهی ائمه با ملاحظات توسط ایشان دنبال می شد.^۲ یعنی امامان با موانعی مواجه بودند که لاجرم در مطرح کردن علم گسترده خود باید مدیریت خاصی اعمال می کردند. ملاحظاتمانند دستگاه حاکمه که نسبت به برخورداری ائمه از علم ویژه و انتشار این عقیده حساس بوده است یا جریانانی مانند زیدیه و متعصبان اهل سنت که نسبت به این موضوع حساسیت زیادی نشان می دادند. همینطور برخی از شیعیان آمادگی معرفتی و ظرفیت پذیرش مراتب بلند علمی ائمه را نداشتند از این رو اهل بیت علیهم السلام بخاطر این ملاحظات، علم گسترده و اعطایی الهی را به طور مجمل بیان می کردند و همه افراد صلاحیت شنیدن و درک تمام ابعاد علوم ائمه را نداشتند. رعایت تقیه و نظر داشت این ملاحظات، اهل بیت را به کتمان علم گسترده الهی و یا مجمل گویی وا می داشته است.

۱. الکافی (ط - دارالحديث) ج ۱؛ ص ۶۴۱، (موثق).

۲. رک: علم امام در باور شیعیان نخستین، ص ۲۰۴.

منابع و مأخذ

۱. ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵ق، شرح نهج البلاغه، بیروت، دار احیاء تراث عربی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للمصدق)، ۱ جلد، کتابچی - تهران، چاپ: ششم، ۱۳۷۶ش.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۳ق.
۴. ابن حنبل، احمد، ۱۳۱۳ق، مسند احمد، بیروت، دارالفکر.
۵. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب)، ۴ جلد، علامه - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۹ق.
۶. ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۴۱۳ق، الیقین باختصاص مولانا علی بامر المؤمنین، مصحح: اسماعیل انصاری زنجانی، قم، دارالکتاب.
۷. ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر، بلاغات النساء، ۱ جلد، الشریف الرضی - قم، چاپ: اول، بی تا.
۸. ابن عبد الوهاب، حسین بن عبد الوهاب، عیون المعجزات، ۱ جلد، مکتبه الداوری - ایران؛ قم، چاپ: اول، بی تا.
۹. ابن هشام، عبدالملک، ۱۹۳۶م، السیره النبویه، قاهره، بی تا.
۱۰. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الأئمه (ط - القدیمة)، ۲ جلد، بنی هاشمی - تبریز، چاپ: اول، (۱۳۸۱ق).
۱۱. امینی، عبدالحسین، ۱۴۲۷ق، الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، قم، موسسه دائره المعارف فقه اسلامی.
۱۲. بخاری، احمد بن اسماعیل، ۱۴۰۱ق، صحیح بخاری، بیروت، دارالفکر.
۱۳. بروجردی، آقاسین، ۱۳۸۶ش، جامع احادیث الشیعۀ، تصحیح جمعی از محققان، چاپ اول، تهران، انتشارات فرهنگ سبز.
۱۴. جزری، ابن اثیر، بی تا، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت، دار احیاء تراث عربی.
۱۵. حکیمی، محمدرضا، ۱۳۹۹ق، سلونی قبل أن تفقدونی، بیروت، موسسه اعلمی مطبوعات.
۱۶. حلبی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۹ق، سیره حلبیه نبویه، بی جا، دارالمعرفه.
۱۷. حمادی، عبدالرضا و حسینی، سیدعلیرضا، ۱۳۹۶ش، «کلینی و حوزه حدیثی قم»، سال نهم، شماره ۱۷، کاشان، دانشگاه کاشان.
۱۸. حمادی، عبدالرضا و طباطبایی، سیدمحمد کاظم، ۱۳۹۱ش، «الکافی و گفتمان حدیثی قم»، دوره ۱۷، شماره ۶۶، قم، دارالحدیث.
۱۹. خطیب بغدادی، احمد بن علی، ۱۹۳۱م، تاریخ بغداد، بی نا، قاهره.
۲۰. سروش، عبدالکریم، ۱۳۷۶ش، بسط تجربه نبوی، تهران، موسسه فرهنگی صراط.
۲۱. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ۱ جلد، هجرت - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ق.



۲۲. شریف رضی، محمدبن حسین، ۱۴۱۴ ق، نهج البلاغه، بی نا، قم.
۲۳. صدوق، محمدبن علی، ۱۳۶۱، معانی الاخبار، قم، انتشارات اسلامی.
۲۴. صدوق، محمدبن علی، بی تا، خصال، قم، انتشارات اسلامی.
۲۵. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ۱ جلد، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی - ایران؛ قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ ق.
۲۶. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ۱ جلد، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی - ایران؛ قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ ق.
۲۷. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۸۴ ش، المیزان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، دار الکتب الإسلامیه.
۲۸. طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۲۰ ق، فهرست کتب الشیعہ و اصولهم، چاپ اول، قم، مکتبه المحقق الطباطبائی.
۲۹. فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۳۸۷ ق، تفسیر صافی، قم، نوید اسلام.
۳۰. قرآن کریم، ۱۳۸۴ ش، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، قم، الهادی.
۳۱. قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله، الخرائج و الجرائح، ۳ جلد، مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.
۳۲. قمیصی، عبدالله، بی تا، الصراع بین الاسلام و الوثنیة، بی جا، الحسون.
۳۳. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ۱۴۱۶ ق، ینابیع الموده لذوی القربی، تهران، دارالاسوه.
۳۴. کدیور محسن، ۱۳۸۴ ش، بازخوانی امامت در پرتو نهضت حسینی، روزنامه شرق، ۱۴ و ۱۵ اسفند ۱۳۸۴.
۳۵. کدیور، محسن، ۱۳۸۵ ش، قرائت فراموش شده از دین، مجله مدرسه، شماره ۳، اردیبهشت ۱۳۸۵.
۳۶. کفعمی، ابراهیم بن علی، ۱۴۰۵ ق، المصباح (جنه الامان الواقیه و جنه الايمان الباقیه)، قم، منشورات رضی.
۳۷. کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی - إختیار معرفة الرجال، ۱ جلد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد - مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامیه)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامیه - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۳۹. مجلسی، محمد باقر، ۱۳۷۴ ش، بحار الأنوار، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۴۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، ۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربی - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.
۴۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، ۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربی - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.
۴۲. مدرسی طباطبائی، حسین، ۱۳۸۸ ش، فصلنامه کتاب ماه دین، شماره ۱۴۲، جوابیه به نقد حسن طارمی: صص ۲۰-۲۹.

۴۳. مدرسی طباطبایی، حسین، ۱۳۸۹ش، مکتب در فرآیند تکامل، ترجمه: هاشم ایزدپناه، بی جا، انتشارات کویر.
۴۴. مسعودی، علی، ۱۴۰۹ق، اثبات الوصیه، بیروت، دارالاضواء.
۴۵. مشهدی، محمد بن جعفر، ۱۴۱۹ق، المزار الکبیر، قم، موسسه نشر اسلامی.
۴۶. مفید، محمد بن نعمان، ۱۳۷۲ش، أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، تهران، دانشگاه تهران.
۴۷. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ۲جلد، کنگره شیخ مفید - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ق.
۴۸. نادم، محمدحسن، ۱۳۸۸ش، علم امام، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
۴۹. نجاشی، احمد بن علی، ۱۳۶۵ش، رجال النجاشی، چاپ ششم، قم، موسسه النشر الاسلامی.
۵۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۹۷ق، تصحیح علی غفاری، تهران، بی نا.
۵۱. نیشابوری، مسلم بن حجاج، ۱۳۹۸ق، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر.
۵۲. هیثمی مکی، ابن حجر، بی تا، الفتاوی الحدیثه، بیروت، دارالفکر.
۵۳. یعقوبی، ۱۳۷۴ش، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی..